

ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی
از منظر آیات و روایات

تألیف:

سید محمدتقی موسوی فر

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
چکیده.....	۱۳
مقدمه دکتر مهدی ایزدی.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
فصل اول: کلیات.....	۱۹
۱-۱. بیان مسئله.....	۱۹
۲-۱. ضرورت تحقیق.....	۲۲
۳-۱. اهمیت مسئله.....	۲۴
۱-۳-۱. مؤدب شدن به آداب بندگی و زندگی.....	۲۴
۲-۳-۱. اصلی ترین جنبه تمدن نوین اسلامی.....	۲۷
۴-۱. سؤالات تحقیق.....	۳۰
۵-۱. فرضیه های تحقیق.....	۳۱
۶-۱. پیشینه تحقیق.....	۳۴
۷-۱. مفهوم سبک زندگی.....	۳۷
۱-۷-۱. تعریف اصطلاح سبک زندگی در علم جامعه شناسی.....	۳۸
۲-۷-۱. تعریف اصطلاح سبک زندگی در علم روان شناسی.....	۴۳
۳-۷-۱. تعریف اصطلاح سبک زندگی اسلامی.....	۴۷

فصل دوم: ظرفیت سنجی آیات و روایات در حوزه سبک زندگی و روش بهره‌بری از آن .. ۵۳

- ۱-۲. ظرفیت سنجی آیات و روایات در پژوهش سبک زندگی ۵۳
- ۱-۱-۲. ظرفیت دین در پژوهش سبک زندگی ۵۴
- ۱-۱-۱-۲. تقلیل ظرفیت دین به تأمین سعادت اخروی بشر ۵۵
- ۲-۱-۱-۲. کفایت ظرفیت‌های دین در تمامی شئون و ابعاد زندگی بشر ۶۰
- ۲-۱-۲. ظرفیت قرآن در پژوهش سبک زندگی ۶۴
- ۱-۱-۲-۲. آیات دال بر جامعیت قرآن ۶۵
- ۲-۱-۲-۲. روایات دال بر جامعیت قرآن ۶۷
- ۳-۱-۲-۲. دیدگاه کمینه‌گرا ۷۱
- ۴-۱-۲-۲. دیدگاه بیشینه‌گرا ۷۲
- ۵-۱-۲-۲. دیدگاه میانه‌رو ۷۸
- ۳-۱-۲. ظرفیت روایات در پژوهش سبک زندگی ۸۱
- ۱-۱-۳-۲. ظرفیت روایات حاکی از رفتار معصومین ۸۲
- ۲-۱-۳-۲. ادله مخالفان و موافقان ظرفیت روایات حاکی از رفتار معصومین ۸۴
- ۳-۱-۳-۲. بررسی ادله حجیت ظرفیت روایات حاکی از رفتار معصومین ۸۷
- ۴-۱-۳-۲. انواع رفتار معصومین و تبیین ظرفیت هر یک از آنها ۸۹
- ۲-۲. روش‌شناسی استفاده از ظرفیت‌های آیات و روایات در پژوهش سبک زندگی ۹۲
- ۱-۲-۲. بررسی موضوعی منابع، روش بهره‌مندی از ظرفیت آیات و روایت در سبک زندگی ۹۴
- ۲-۲-۲. گونه‌های رویکرد موضوعی به آیات و روایات در پژوهش سبک زندگی ۹۸
- ۱-۲-۲-۲. رویکرد درون‌گرا در بررسی موضوعی آیات و روایات ۹۹
- ۲-۲-۲-۲. رویکرد برون‌گرا در بررسی موضوعی آیات و روایات ۱۰۴
- ۳-۲-۲-۲. رویکرد تطبیقی در بررسی موضوعی آیات و روایات ۱۰۸
- ۴-۲-۲-۲. رویکرد سوره‌محور در بررسی موضوعی آیات و روایات ۱۱۱
- ۳-۲-۲. مراحل و گام‌های بررسی موضوعی آیات و روایات در پژوهش سبک زندگی ۱۱۵
- ۳-۲. نتیجه ۱۱۸

فصل سوم: ظرفیت سنجی پژوهش های اندیشمندان مسلمان در حوزه سبک زندگی... ۱۲۱

- ۱-۳. گونه شناسی سبک های نگارشی اندیشمندان مسلمان در حوزه سبک زندگی ۱۲۲
- ۱-۳-۱. آثار اندیشمندان اسلامی در حوزه سبک زندگی با گرایش سیره نگاری ۱۲۳
- ۱-۳-۲. آثار اندیشمندان اسلامی در حوزه سبک زندگی با گرایش اخلاق نقلی ۱۳۱
- ۱-۳-۳. آثار اندیشمندان اسلامی در حوزه سبک زندگی با گرایش تلفیقی ۱۳۹
- ۲-۳. واکاوی ساختار سبک زندگی اسلامی از منظر اندیشمندان مسلمان مطالعه موردی مکارم الاخلاق، مرآه الکمال و مفاتیح الحیاه ۱۴۵
- ۲-۳-۱. ساختار سبک زندگی اسلامی در کتاب مکارم الاخلاق ۱۴۷
- ۲-۳-۲. ساختار سبک زندگی اسلامی در کتاب مرآه الکمال ۱۵۱
- ۲-۳-۳. ساختار سبک زندگی اسلامی در کتاب مفاتیح الحیاه ۱۵۶
- ۳-۳. نتیجه ۱۶۰

فصل چهارم: بررسی موانع پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات ۱۶۱

- ۱-۴. جدا پنداشتن دین از زندگی اجتماعی ۱۶۲
- ۲-۴. منطقه الفراغ پنداشتن تمامی مباحث سبک زندگی ۱۶۸
- ۳-۴. تفریط در تشخیص موضوع در حوزه سبک زندگی ۱۷۳
- ۴-۴. تسامح در مستندات مسائل سبک زندگی ۱۸۲
- ۴-۴-۱. موافقین تسامح در مستندات ۱۸۷
- ۴-۴-۲. مخالفین تسامح در مستندات ۱۸۹
- ۴-۴-۳. نقد و بررسی ادله تسامح در مستندات ۱۹۰
- ۴-۵. نتیجه ۱۹۹

نتیجه گیری ۲۰۱

موضوعات پیشنهادی برای تحقیق بیشتر ۲۰۵

منابع ۲۰۷

نمایه ۲۲۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبّر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشي از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ - سوره مبارکه یس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة (۵۶). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الکهف ۱۸. آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن

کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم، سوره مبارکه الحجر (۱۵). آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا (ﷺ) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به‌عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تاسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژی و انحراف دور باشد (**أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ** - قرآن کریم، سوره مبارکه التوبه (۹) بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به‌شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا (ﷺ) پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دادند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ **«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»** (قرآن کریم، سوره مبارکه الفرقان (۲۵). آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح

کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راه‌نمایی‌های ارایه شده از معصومین (علیهم‌السلام)، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاسراء (۱۷). بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

چکیده

سبک زندگی یکی از مباحث نوین و راهبردی عصر حاضر است. توصیف یا تجویز حالات و گفتارها و رفتارهای انسانی در همه ساحت‌های زندگی را سبک زندگی گویند. اینکه آیا اسلام در سبک زندگی بیانی دارد یا به‌طور کلی توانایی و ظرفیت ارائه سبک زندگی را دارد از چالشی‌ترین سؤالات در این حوزه است. دین مبین اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین برنامه تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت بشر است. جهان‌بینی آن فرامکانی و فرازمانی یعنی جهان‌شمول و جاودانه است. از ارکان تأمین سعادت انسان برنامه‌ریزی برای امور روزمره و مسائل زندگی است. معارف اسلامی تمام ابعاد زندگی را شامل می‌شود و در یکایک این مسائل مبنا یا اصل یا راهکار عملی ارائه می‌دهد. این دیدگاه نسبت به اسلام در قرون متمادی موافقان و مخالفانی داشته است. در این کتاب مبانی این دیدگاه به اثبات رسیده و ظرفیت دین، قرآن و روایات برای ارائه سبک زندگی جامع بررسی شده است و روش‌هایی جهت بهره‌گیری از آیات و روایات در این حوزه پیشنهاد شده که با محوریت بررسی‌های موضوعی در گونه‌های مختلف آن (درون‌گرا، برون‌گرا، تطبیقی و سوره محور) ارائه شده است.

سبک زندگی با کلیدواژه‌های ادب و سنت در منابع اصیل اسلامی قابل پیگیری است و در حوزه اخلاق و احکام نیز علاوه بر آداب و سنن

می‌توان در جستجوی مسائل و معارفش بود. اندیشمندان مسلمان نیز از دیرباز دغدغه تدوین و تبیین در این حوزه را داشته‌اند. تألیفات این حوزه مانند بسیاری از حوزه‌های معرفتی دیگر دارای تنوع در روش تحقیق و ارائه و بیان بوده است. برخی پژوهش خود را در قالب عمومی بیان سنت و سیره معصومین ارائه داده‌اند نظیر برقی، کلینی، مجلسی، طباطبایی و برخی آن را در قالب اخلاق ارائه داده‌اند نظیر صدوق، طبرسی، مامقانی و برخی با تلفیق سبک‌های مختلف نقلی و فلسفی و عرفانی در این حوزه قلم زده‌اند و آثار خود را به صورت تلفیقی ارائه داده‌اند نظیر غزالی، فیض کاشانی و حکیمی.

پس از معرفی سبک‌های نگارشی اندیشمندان مسلمان برای تکمیل شناخت از ظرفیت پژوهش در این حوزه سه مورد از مهم‌ترین ساختارها و طبقه‌بندی‌های پیشنهادی برای سبک زندگی اسلامی که توسط برترین اندیشمندان این حوزه ارائه شده است مورد بررسی و نقد قرار گرفته و به نقاط قوت و ضعف هر یک اشاره شده است تا پژوهشگران با بررسی این الگوها پی به ظرفیت‌های مغفول این حوزه ببرند.

در آخرین گام در تبیین ظرفیت پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات موانعی که بر سر این راه وجود دارد معرفی و بررسی می‌شود. شناخت این موانع و تشخیص و انتخاب کیفیت مواجهه با آنها از مهم‌ترین اقدامات برای پژوهشگر سبک زندگی است. موانع از این قبیل‌اند: جدا پنداشتن دین از زندگی، منطقه الفراغ پنداشتن تمام مسائل سبک زندگی، تسامح در مستندات مسائل سبک زندگی و انصراف یا تفریط در شناخت موضوع و تطبیق مصداق در این حوزه. که هر یک از این‌ها به تفکیک تعریف و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مقدمه دکترمهلی ایزدی

۱۶ □ ظرفیت‌های پژوهش سبک زندگی از منظر آیات و روایات

مقدمه

علوم قرآن و حدیث، علمی میان‌رشته‌ایست که در آن می‌توان مباحث متنوع از علوم مختلف را موضوع بحث قرار داد، اما اصالت مباحث علوم قرآن و حدیث، علوم و بررسی‌های پیرامونی و به اصطلاح علوم قرآن‌های للقرآن است نه علوم فی القرآن. لذا پژوهشگر این رشته باید پژوهش‌های پیرامونی را اولویت خود قرار دهد و هر کجا و در هر مبحث وارد می‌شود باید با چنین رویکردی به تحقیق و پژوهش دست بزند. مساله مهم دیگر در انتخاب و تعیین موضوع، کاربردی بودن بحث و مورد نیاز فعلی و ضروری بودن موضوع انتخاب شده برای جامعه می‌باشد، پژوهش‌ها صرفاً نباید با هدف پژوهش برای پژوهش باشد بلکه باید دردی را از جامعه درمان کند بلکه باید مهم‌ترین و فوری‌ترین دردها را درمان کند، مساله سبک زندگی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، پزشکی و ... می‌باشد. التفات عمده و گسترده به این مساله پس از بیان دغدغه توسط رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۱ آغاز شد و پژوهش‌های گسترده‌ای انجام شد لکن جای اینکه پژوهشگری با تخصص علوم قرآن و حدیث و با گرایش بررسی پیرامونی به این مساله بپردازد بسیار خالی بود. در این پژوهش بر آن شده ایم که برخی از مسائل مقدماتی و پیرامونی مساله مه سبک زندگی را از منظر قرآن و حدیث بررسی کنیم، در فصل اول

پس از بیان کلیان به تعریف سبک زندگی در علوم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداختیم سپس تلاش نموده ایم تا تعریفی نیز از سبک زندگی اسلامی ارائه دهیم و برای سبک زندگی معادلی بومی پیدا کنیم.

فصل دوم به بررسی کلی ظرفیت آیات و روایات در این زمینه پرداخته ایم که آیا قرآن و حدیث ظرفیت و توانایی ارائه سبک زندگی را دارند یا خیر؟ پس از پاسخ به این مساله به ارائه روشی برای پژوهش در قرآن و حدیث پرداخته ایم و بررسی موضوعی را انتخاب کرده و رویکردهای مختلف آن را معرفی نموده ایم.

فصل سوم نیز که خلا چنین مبحثی در تمام آثار تولید شده در سبک زندگی اسلامی مشاهده می‌شود به ظرفیت‌شناسی آثار اندیشمندان مسلمان در پژوهش‌های سبک زندگی پرداخته‌ایم و آثار متنوع و اصیلی را که در این حوزه تولید شده است را طبقه‌بندی و معرفی نموده ایم و نیز برخی از مهم‌ترین ساختارهای ارائه سبک زندگی در سه اثر مهم مکارم الاخلاق و مرآه الکمال و مفاتیح الحیاه بررسی کرده ایم.

فصل آخر نیز به آسیب‌شناسی پژوهش‌های سبک زندگی پرداخته ایم و موانع پیش روی پژوهشگر سبک زندگی اسلامی را بررسی نموده ایم و کیفیت مواجهه با هر یک از این موانع را نیز بیان نموده ایم، موانعی از قبیل جدا پنداشتن دین از زندگی اجتماعی، منطقه الفراغ پنداشتن تمامی مباحث سبک زندگی، تفریط یا انصراف از تشخیص موضوع در مسائل سبک زندگی و تسامح در مستندات مسائل سبک زندگی.

فصل ۱

کلیات

۱-۱. بیان مسئله

سبک زندگی یا life-style امروزه از مفاهیم بنیادینی محسوب می‌شود که توجه بسیاری از اندیشمندان و متفکران حوزه‌های مختلف علوم را به خود جلب نموده است. این اصطلاح برای اولین بار در سال ۱۹۰۸ توسط زیمل در علوم اجتماعی مطرح گشت (برای آشنایی بیشتر رک مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۵) و پس از چندی تلاش‌های فراوانی برای توسعه این مفهوم صورت پذیرفت. در راستای توسعه این اندیشه مهم‌ترین فعالیتی که صورت گرفت توسط آدلر در سال ۱۹۲۲ بود؛ آدلر سبک زندگی را از سطح جامعه‌شناسی به سطح روان‌شناسی رهنمون گشت. این گونه، موضوع مذکور در دو سطح فردی و اجتماعی مطرح گردید و شاخصه‌ی مهمی برای تشخیص هویت فرد و جامعه محسوب شد.

طبیعی بود که ناظر به اهمیت علمی موضوع و نمود آن در رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، این مسئله در جامعه علمی ایران نیز بازتابی گسترده یابد. با ورود این موضوع به جامعه دانشگاهی ایران و بیگانگی مفاهیم آن با فرهنگ بومی-اسلامی ایران، حساسیت بسیاری از اندیشمندان در این زمینه برانگیخته شد. در همان ایام به‌رغم آثار توصیفی نگاشته شده‌ای

که به دنبال تبیین سبک زندگی غربی بود این هم‌صدایی نیز وجود داشت که سبک زندگی و الگوهای جامعه‌شناختی - روان‌شناختی غرب در این حوزه چیزی متفاوت با سبک زندگی اسلامی-ایرانی است. این نگرش تا جایی ادامه پیدا کرد که بعضی از نویسندگان اساساً معنای سبک زندگی را برنتافتند و با توجه به موضوعات متفاوت این دو نگرش منکر وجود چنین انگاره‌ای در اندیشه مسلمانان گشتند؛ زیرا معتقد بودند آنچه تحت عنوان سبک زندگی مطرح است با جهان‌بینی یک مسلمان و حوزه‌های رفتاری وی متعارض است. چنانکه پیداست گام‌های متفاوتی در این مسئله در ایران با اقدامات تدافعی آن‌هم از نوع نفی مسئله برداشته شد. اما پیش‌تر از اینان گروهی نیز تدوین مدلی بومی که سازگار با فرهنگ اسلامی باشد را سرلوحه کار خود قرار دادند، زیرا نفی موضوع به‌مثابه پاک کردن مسئله بود و حال آنکه در واقعیت‌های اجتماعی مواجهه‌ای انکار نشدنی با سبک زندگی وجود داشت. حتی در تراث به‌جای مانده از اندیشمندان مسلمان، پیش از آنکه چنین مفاهیمی در غرب ابداع گردد گستره‌ی وسیعی از آثار نگاشته شده وجود داشت که هرچند دارای عنوان سبک زندگی اسلامی نبودند اما افاده‌ی بومی همان معنا و مفهومی را داشتند که در سبک زندگی غربی مطرح بود.

شاید عکس‌العمل تدافعی در مواجهه با سبک زندگی را بتوان ناشی از نوعی شتاب‌زدگی دانست به همین خاطر با گذشت زمان و فروکش نمودن هیجانات آن دوره باور به تغییر استراتژی و تبدیل نگرش سلبی به نگرشی ایجابی، زمینه تولید آثاری متفاوت با این نگاه را پدید آورد. نگارش آثاری همچون دین و سبک زندگی و سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن از سعید مهدوی کنی و محمد کاویانی بازتاب عملکرد فرهیختگان جامعه ایران در حوزه انجام اقدامات ایجابی در دوره جدید بود. آثار مذکور به دنبال تبیین نوع جدیدی از سبک زندگی به نام سبک زندگی اسلامی در دو حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بودند و ادبیات بومی قابل‌تقدیری را پدید آوردند. هرچند آثار نامبرده به‌نوبه خود فصل جدیدی را در نگرش به

موضوع باز کردند اما چنانکه نویسندگان این آثار، خود نیز اذعان داشتند نوع اقدامات صورت گرفته گام‌هایی مقدماتی به حساب می‌آمدند و هنوز تا رسیدن به مدلی جامع در این زمینه راه فراوانی وجود دارد. با این حساب ضروری بود که سلسله‌ای به هم پیوسته از پژوهش‌ها در این حوزه تدوین گردد تا به وسیله آن‌ها حوزه‌های رفتاری فردی و اجتماعی در سبک زندگی اسلامی با ادبیاتی متناسب با اقتضائات زمانی تبیین گردد.

در واکاوی پیشینه و مواجهه جامعه معاصر ایران با مسئله سبک زندگی مرحله‌ی سوم که پس از اقدامات ایجابی با آن مواجهه هستیم اقدامات عملی و فعالانه عالمان نستوهی چون آیت‌الله جوادی آملی در پی‌ریزی الگویی دینی-رفتاری به عنوان غایت سبک زندگی اسلامی است. ایشان با نگارش کتاب مفاتیح الحیاه رساله‌ی عملیه‌ای در حوزه سبک زندگی تدوین نمودند که در آن به صورت شفاف با معرفی نوع عملکرد افراد در موقعیت‌های مختلف شیوه‌ی زندگی مؤمنانه‌ی یک مسلمان را در ساحت‌های مختلف ارتباط با خود، دیگران و طبیعت و... طرح‌ریزی نموده‌اند. این عملکرد از آنجایی که با تغییر زاویه دید، موضوع را از مواجهه‌ای نظری بیرون می‌آورد و قابلیت اجرایی برای مسلمانان زیستن فراهم می‌آورد با استقبال چشمگیر مخاطبان عام و خاص مواجه شد و همچنین الگویی قابل اتباع برای علاقه‌مندان به پیگیری این موضوع گشت.

آنچه تا بدین جا پرداخته شد ارائه پیشینه‌ای مختصر از روند فعالیت‌های دهه اخیر در حوزه سبک زندگی اسلامی بود. لکن به‌رغم حجم کارهای صورت گرفته گسستی غیرقابل انکار را در میان دوره دوم (دوره شکل‌گیری نگرش‌های ایجابی به سبک زندگی اسلامی و طرح ادبیات آن) و دوره سوم (دوره اقدامات فعالانه با نگارش کتاب‌هایی همچون مفاتیح الحیاه) می‌توان مشاهده کرد. این گسست از آن رو قابل طرح است که در دوره دوم شاهد تولید ادبیات نظری موضوع هستیم و در دوره سوم شاهد تولید رویکرد رفتاری با الگویی از پیش طراحی شده هستیم اما در این میان روند

وصول پژوهشگران به چگونگی دستیابی به سبک زندگی اسلامی و همچنین چگونگی توسعه این موضوع مورد توجه قرار نگرفته است. از آنجایی که قرآن و روایات به عنوان منابع اصیل دینی در سامان بخشی به این اندیشه نقشی بنیادین را می‌توانند ایفا کنند در اولین گام‌ها برای پوشش این گسست ضروری می‌نماید که ظرفیت‌های این منابع و راه دستیابی به آن‌ها پی گرفته شود. به همین خاطر نویسنده قصد دارد تا با اثبات وجود ظرفیت قرآن و روایات راه دستیابی سایر پژوهشگران در توسعه سبک زندگی و پیگیری آن در جزئی‌ترین شئون زندگی را تبیین نماید. ناظر به این موضوع، کتاب پیش رو در روندی نظام بندی شده در چهار فصل مطالب لازمی را که در نیل مسیر می‌بایست به آن‌ها توجه نمود ارائه کرده است. فصل اول کلیات و مفاهیمی که در حوزه سبک زندگی با آن مواجه هستیم تبیین کرده است تا خواننده به شمایی کلی از موضوع دست یابد. نویسنده در فصل دوم کتاب عهده‌دار اثبات وجود ظرفیت‌های آشکار قرآن و روایات در تدوین سبک زندگی اسلامی است و در گام بعدی به دنبال ارائه روشی مناسب است تا بدین نحوه چگونگی توسعه حوزه‌ی رفتاری سبک زندگی را نشان دهد. فصل سوم کتاب نیز پس از معرفی گونه‌های آثار اندیشمندان اسلامی در این حوزه، در راستای فصل دوم که لزوم پیروی از الگویی ذهنی را متذکر می‌گردد به دنبال نشان دادن الگوهای موجود در اندیشه‌ی دانشمندان اسلامی است و با ارائه الگوهایی که برجسته‌ترین اندیشمندان در تبیین سبک زندگی اسلامی به کار برده‌اند پیگیر آن است تا الگوهای متنوعی که در این حوزه قابل اتباع است را معرفی نماید. در فصل چهارم کتاب با اثبات نگرش ایجابی نویسنده به تحقق سبک زندگی اسلامی موانع پیش رو در پژوهش‌های سبک زندگی اسلامی در جامعه امروز ایران بررسی گردیده است.

۲-۱. ضرورت تحقیق

چنانکه گفته شد گسستی غیرقابل انکار را در حدفاصل نظریات مطرح شده

در دوره دوم و دوره سوم که سبک زندگی در جامعه ایران مطرح گشت را می‌توان مشاهده نمود. این گسست از نوع عدم تبیین روش‌شناختی است و نتیجه آن درجایی که یک الگو توانایی و شمول خود را از دست بدهد نشان خواهد داد. به همین خاطر قابلیت توسعه سبک زندگی، نهایتاً به تقلید از الگوهای معروف فرو کاسته می‌شود. این امر در حالی است که با تبیین ظرفیت‌های آیات و روایات و همچنین ارائه الگویی روش‌شناختی می‌تواند در توسعه و استخراج مفاهیم جزئی‌تر در حوزه سبک زندگی دست پژوهشگران را در این زمینه بازنمود. اگر محققان اشرافی بر آنچه در منابع اصیل ما یعنی آیات و روایات در این حوزه وجود دارد نداشته باشند و نتوانند ظرفیت‌های پژوهشی این دو را در این زمینه لحاظ کنند نخواهند توانست گام موفق‌تری در این زمینه بردارند و در مرحله بعد هم روش بهره‌گیر از این ظرفیت‌ها مورد توجه باید باشد. برای مثال اگر مشخص نشود که کتاب مفاتیح الحیات از چه روشی برای تبیین سبک زندگی استفاده کرده است محققان توانایی توسعه این الگو را نخواهند داشت زیرا دانش لازم برای ادامه کار را نخواهند داشت. حال با فرض کسب دانش روش‌شناختی در گام بعدی ممکن خواهد بود مشخص شود الگو و نظام طبقه‌بندی این کتاب با توجه به آزمون و خطاهایی که صورت خواهد گرفت جامعیت لازم را نداشته باشد و الگوی جامع سبک زندگی را در آن قالب نتوان ارائه کرد. به همین خاطر بایستی به دنبال الگوهای دیگر باشیم که قابلیت لازم و کافی را در جهت طرح جامع سبک زندگی اسلامی داشته باشد. فلذا رسیدن به این الگوی جامع در حوزه سبک زندگی اسلامی منوط به برخورداری از روش‌های مناسب و همچنین شناخت الگوهای متنوع جهت آزمون است. مشاهده الگوهای متنوع طرح سبک زندگی موقعیتی را فراهم می‌نماید تا نهایتاً با تجربه‌ی قالب‌های گوناگون، الگوهای متنوع سبک زندگی که در آثار اندیشمندان اسلامی آورده شده تجربه گردد و نهایتاً جامع‌ترین آن‌ها در این میان انتخاب شود.

بر اساس آنچه گفته شد نگارش کتاب پیش رو از آن رو ضرورت می‌یابد که با پوشش گسست میان تحقیقات موجود ایده مناسبی را برای تدوین جامع سبک زندگی اسلامی مطرح می‌نماید.

۳-۱. اهمیت مسئله

برای تبیین اهمیت و ضرورت مطالعات سبک زندگی از دو زاویه فردی و اجتماعی می‌توان بحث و استدلال کرد. برای جنبه فردی مسئله تأدیب به آداب الهی و برای جنبه اجتماعی به جایگاهش در تمدن سازی نوین اسلامی می‌توان اشاره کرد.

۱-۳-۱. مؤدب شدن به آداب بندگی و زندگی

ضرورت مطالعه و پژوهش در سبک زندگی از دو زاویه قابل بررسی است، اول اینکه سبک زندگی به عنوان مسئله‌ای فردی مورد توجه قرار گیرد و به عنوان دستوراتی برای اصلاح زندگی خویش، تجویزهایی برای شکل دادن یا بازسازی رفتار و ظواهر خود برای رسیدن به بهترین حالت بررسی شود. در این صورت می‌بایست به بحث ضرورت تأدب به آداب الهی در اخلاق اسلامی پردازیم.

کلینی در جلد پنجم کتاب شریف کافی در ابتدای کتاب المعیشه در روایت موثقی از امام صادق علیه السلام از پدرانشان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که ایشان به اصحابشان فرمودند تَأَدَّبُوا إِلَيْهَا النَّفَرُ بِآدَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۰). ای مردم به آداب الهی ای که خداوند برای مؤمنان بیان فرموده است متأدب و آراسته شوید. علمای اخلاق در مراحل اصلاح نفس و تربیت صحیح دینی از این روایت بهره گرفته‌اند و اصلاح نفس را درگرو تأدب به آداب الهی بیان کرده‌اند (تهرانی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۵۹). این آداب در عرصه‌های مختلف وجودی انسان تبلور و تجلی دارد از ظاهری‌ترین اعمال و رفتار فردی و اجتماعی انسان تا درونی‌ترین حالات قلبی و بینش‌ها و گرایش‌های فردی. ادبیات تأدب به آداب الهی ادبیاتی

جامع برای بیان تمام مفاهیم اخلاقی اسلامی می‌تواند باشد. بر این مبنا انسان باید در تمام شئون زندگی و حالات و بینش‌ها و گرایش‌هایش خود را با دستورات اسلامی تطبیق دهد و اصلاح کند. این اصلاح به‌صراحت بسیاری از دانشمندان دینی و برخی روایات مرحله‌بندی دارد و از مرحله‌ای آغاز و به سرانجامی پایان می‌یابد. نقطه آغاز این اصلاح ظواهر است (خمینی، ۱۳۸۶: ۷) یعنی انسان مسلمان باید ظواهر خود را مؤادی آداب الهی کند گرچه بینش‌ها و نگرش‌ها و گرایش‌ها مبانی این تغییر ظاهر هستند اما پس از دریافت‌ها و تغییرات ابتدایی در این زمینه‌ها باید به سراغ ظاهر رفت و این حفظ ظواهر تا آخر همراه انسان باید باشد یعنی هیچ‌وقت این آداب ظاهری مسلمان از او ترک نمی‌شود. این آداب ظاهری نیز ذیل احکام خمسسه تقسیم‌بندی می‌شوند و در درجات بالاتر تقسیمات خمسسه به تقسیمی ثنایی یعنی آنچه انجام می‌شود و آنچه ترک می‌شود منتهی می‌شود یعنی اعمال و رفتار انسان دو حکم بیشتر ندارد (طباطبایی، ۱۴۲۳ق: ۶۸) و این دستورات شامل همه امور انسانی می‌شود.

مولی صالح مازندرانی در شرح معنای ادب این‌گونه می‌گوید: الادب کل ما فيه صلاح النفس (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۱: ۱۹۹) هر آنچه که صلاح آدمی در آن باشد و شرع و عقل بدان حکم کند را ادب می‌نامند و این معنای ادب همان سبک زندگی تجویزی است که داعیه اصلاح امور انسانی را در دست دارد.

علّامه طباطبائی اخلاق را ملکات راسخ در روح یا درواقع و وصفی از اوصاف روح می‌داند و پیرامون آداب چنین بیان می‌کند هیئت‌های زیبایی که اعمال و رفتار آدمی بدان متصف می‌گردد که نحوه صدور این اعمال به اخلاق و صفات روحی شخص بستگی دارد. وقتی انسان متوجه حالات خویش باشد و با ظرافت و زیبایی خاص عملی را انجام دهد، گفته می‌شود مؤدب به آداب است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۵۵).

مطالعه و پژوهش سبک زندگی اسلامی ما را به منظومه آداب الهی

مشرف و مطلع می‌کند که به وسیله آراستگی به آن‌ها ما در مطلوب‌ترین حالت انسانی و الهی قرار می‌گیریم؛ امیر المومنین فرموده‌اند من تأدب بآدب الله اذاه ذلك الى الفلاح الدائم (طباطبایی، ۱۴۱۹: ۹۲) ثمره آراستگی به سبک زندگی اسلامی نیل به رستگاری همیشگی است.

دین مبین اسلام راه تکامل و پیشرفت و اصلاح افراد را در پذیرش آدابی که خداوند برای زندگی انسان‌ها مقرر فرموده است می‌داند و ما مسلمانان برای رسیدن به آن اهداف، راهی جز پذیرش آن آداب و آراسته شدن به آن‌ها نداریم و مطالعات سبک زندگی اسلامی معرفی همان صراط مستقیم تأدب به آداب الهی است.

آداب و آموزه‌های سبک زندگی اسلامی مایه ترقی و تعالی انسان‌هاست و بی‌بهرگی از آن انسان را تا حد اعراب جاهلی تنزل می‌دهد چنانکه امام صادق فرموده‌اند إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَطْمَعُ فِي عَالِمٍ بغيرِ آدَبٍ أَكْثَرُ مِنْ طَمَعِهِ فِي عَالِمٍ بِآدَبٍ فَتَأَدَّبُوا وَإِلَّا فَأَنْتُمْ أَعْرَابٌ. (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۹۷) طمع شیطان بر انحراف دانشمند بی‌ادب بیشتر از طمعش در انحراف دانشمند متأدب به آداب الهی است، یعنی آراستگی به این آداب طمع شیطان را بر انسان محدود می‌کند و در ادامه می‌فرماید بی‌بهرگی از آداب الهی مساوی با جاهلیت است.

این اشاره در پایان بحث مفید است که ثمره تدوین سبک زندگی اسلامی فقط مسئله رستگاری و فلاح معنوی و اخروی نیست بلکه آثار دنیوی فردی نیز دارد و زندگی راحتی و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی تک‌تک افراد جامعه درگرو پرداختن به این مسئله است و اندیشمند بزرگ جهان اسلام و مجدد و محیی تمدن اسلامی، رهبر انقلاب هم به این نکته اشاره کرده‌اند که اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین، مسئله، مسئله اساسی و مهمی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

۱-۳-۲. اصلی‌ترین جنبه تمدن نوین اسلامی

در جامعه ما در این سال‌های اخیر حرکت عمومی انقلابی برای استقرار اسلام و حکومت الله آغاز شده است. این «انقلاب» پس از گذر از مرحله آشوب‌ها و اعتراضات و سرنگونی نظام طاغوت به مرحله «تشکیل نظام» رسید، در این مرحله به هندسه کلی جامعه شکل اسلامی داد. در مرحله بعد انقلاب مشغول تشکیل «دولت اسلامی» شد، دولتی که در آن‌همه کارگزارانش باید نگرش‌ها و رفتارهایشان را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند. پس از تشکیل دولت اسلامی، نوبت تحقق «جامعه اسلامی» است وقتی امیران و مسئولان جامعه جهت‌گیری خاصی داشته باشند مردم هم به همان سمت متمایل می‌شوند (الناس علی دین ملوکهم) و زمینه تطبیق مردم با معیارهای اسلامی فراهم می‌شود و جامعه متأدب به آداب اسلامی می‌گردد. پس از این مرحله و تشکیل جامعه اسلامی در مقیاس ایران، حال جهانیان که تشنه حرفی نو و زندگی جدید و معنوی هستند با الگویی موفق آشنا می‌شوند و به این سمت حرکت می‌کنند و زمینه تحقق تمدن جهانی اسلام فراهم می‌گردد.

رهبر معظم انقلاب روند تکاملی انقلاب را به این پنج مرحله تقسیم نموده‌اند و در این زمینه چنین معتقدند که فرایند تحقق انقلاب اسلامی قدم‌به‌قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود... این فرآیند یک فرایند طولانی و البته دشوار است که انسان به‌طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود. اما تحقق آن‌ها خیلی طولانی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۱۲). برای اطلاع دقیق‌تر از این مسئله تمدن‌سازی و ریشه‌های انقلاب اسلامی ناگزیر از توضیحی پیرامون مراحل و فرایند تکمیل انقلاب هستیم تا پس از تبیین آن بتوانیم جایگاه و اهمیت مسائل سبک زندگی را بهتر متوجه شویم.

بر اساس این اندیشه، مرحله اول از این فرایند، پیروزی شکوهمند ملت ایران در مقابل رژیم پهلوی و ایجاد انقلاب اسلامی بوده است که هرچند کار بسیار مهم و پرهزینه‌ای بود، اما در مجموع نسبت به مراحل بعد

جزو آسان‌ترین مراحل به شمار می‌رود. ایشان در یادکردی از این مرحله چنین می‌گویند که قدم اول که پرهیجان‌ترین و پرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است؛ کار آسانی بود، لیکن این آسان‌ترین است. این انقلاب اولین سخنش این بود که دوران حاکمیت ارزش‌های معنوی آغاز شده است؛ و آغاز کارش اعلام یک تحول بنیادین بر اساس یک سلسله ارزش‌های والا بود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

مرحله دوم از فرایند تحقق آرمان‌های اسلامی در بستر انقلاب، تأسیس نظام اسلامی است. این مرحله به معنای اسلامی شدن هندسه عمومی جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۹/۱۲). در حقیقت، با تدوین قانون اساسی انقلاب اسلامی که منشور اصلی و محوری جمهوری اسلامی است، ارکان جامعه اسلامی مهندسی شد، این قانون که تبلور ارزش‌های اسلامی است و منطبق با احکام اسلامی تدوین شده، به مثابه ستون فقرات نظام اسلامی است و مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام اسلامی تلقی می‌شود.

مرحله سوم که مرحله‌ای مهم به حساب می‌آید و از دو قدم پیشین دشوارتر است، ایجاد دولت اسلامی است. تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی، تشکیل منش و روش دولت‌مردان به گونه اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۱). البته منظور از دولت مجموعه کارگزاران حکومت است. پس از شکل‌گیری دولت اسلامی، ثمره این دولت، تالؤ و تشعشع نظام اسلامی خواهد بود؛ بدین معنا که کار ویژه و اصلی دولت اسلامی، ایجاد کشور اسلامی است که خود مرحله چهارم فرایند تحقق انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی بشود، آن‌وقت کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود، عزت حقیقی برای آن مردم به وجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌المللی ارتقا پیدا می‌کند. اگر این مرحله به وجود آمد، آنگاه برای مسلمانان عالم، الگو و اسوه می‌شویم، لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ (البقره/ ۱۴۳). اگر توانستیم این

مرحله را به سلامت طی کنیم، آنگاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۱). به این ترتیب، مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت، تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، ایجاد دنیای اسلام و دستیابی به تمدن عظیم اسلامی خواهد بود.

مسئله سبک زندگی در ذیل موضوع کلان مهندسی فرهنگی که به دنبال اسلامی‌سازی کشور است، قرار می‌گیرد. در واقع، سبک زندگی اسلامی یکی از ارکان و اجزای مهم و ضروری مرحله چهارم از فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، یعنی کشور اسلامی است. از سوی دیگر، نهادینه شدن سبک زندگی و گسترش و اشاعه آن به جوامع اسلامی دیگر در کنار الگوهای اداره جوامع و نظام‌سازی‌های دینی، ارکان اساسی برای ایجاد دنیای اسلام و تمدن اسلامی خواهد بود. باید تلاش نمود تا سبک زندگی غربی که تمامی دنیای اسلام را کم‌وبیش درنوردیده، کنار گذاشت و با تدوین و گسترش و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی درصدد ایجاد تمدن اسلامی برآییم.

از سوی دیگر، نهایی‌ترین و اساسی‌ترین هدف سبک زندگی اسلامی، ساخت تمدن اسلامی است. در حقیقت سبک زندگی یکی از دو رکن اساسی تمدن نوین اسلامی، یعنی جنبه نرم‌افزاری تمدن اسلامی است. مقام معظم رهبری در همین رابطه، این‌گونه فرموده‌اند که این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزار است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید... بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است... این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

بنابراین، اگر ما موفق به تدوین سبک زندگی اسلامی و تبیین الگوهای رفتاری مسلمانان در حوزه‌های مختلف زندگی، مبتنی بر بینش و جهان‌بینی و نیز ارزش‌ها و گرایش‌های دینی و اسلامی گردیم، در واقع، به نظام‌های

اسلامی در حوزه مختلف از قبیل نظام اقتصادی، نظام سیاسی و... دست‌یافته‌ایم. از طرف دیگر، از مجموعه به‌هم‌پیوسته نظام‌های اجتماعی اسلامی، تمدن اسلامی حاصل می‌آید.

بر این اساس، اگر انقلاب اسلامی پس از ایجاد نظام و دولت اسلامی، نتواند ساختار و سبک زندگی اسلامی را مبتنی بر اصول و اهداف خود ارائه دهد، تشکیل تمدن نوین اسلامی آرزویی بیش نخواهد بود و در همان مراحل ابتدایی متوقف خواهد شد.

از سوی دیگر، می‌توان موفقیت و گسترش و زنده ماندن چند سده‌ای تمدن غرب را مدیون ارائه سبک زندگی غربی برای جوامع تحت سیطره خود دانست. انقلاب اسلامی نیز برای وصول به تمدن اسلامی، در مرحله فعلی از مراحل تکاملی خود باید بتواند سبک زندگی اسلامی را تولید کند تا از حالت انفعالی در برابر سبک زندگی و الگوهای رفتاری غربی بیرون آید.

از همین‌رو، استنباط و ارائه سبک زندگی اسلامی را باید جزو مسائل راهبردی انقلاب اسلامی در تمدن‌سازی نوین اسلامی به‌شمار آورد که هرگونه سهل‌انگاری یا اقدام غیرعلمی در خصوص آن، فرایند تکاملی انقلاب اسلامی را با چالش‌هایی جدی و اساسی روبه‌رو خواهد کرد.

۴-۱. سؤالات تحقیق

ساختار این کتاب مبتنی بر این سه سؤال است.

۱. ظرفیت آیات و روایات اسلامی در پژوهش سبک زندگی به چه کیفیت است و نظرات اندیشمندان در این حوزه چندگونه است و راه و روش بهره‌وری از این ظرفیت‌ها چیست؟

۲. آثار تولیدی اندیشمندان مسلمان در این حوزه به چه سبک‌هایی نگاشته شده است و مهم‌ترین ساختارهای پیشنهادی آنان در این حوزه چه بوده است؟